



نگاهی به توحید عملی و نظری حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام

حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام هم در مقام نظر و هم در مقام عمل، الگویی شایسته برای یکتاپرستی و یکتادوستی بودند.

حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام هم در مقام نظر و هم در مقام عمل، الگویی شایسته برای یکتاپرستی و یکتادوستی بودند. از تطبیق روایات فراوانی که ایشان از ائمه معصومین علیهم السلام نقل کرده اند با سیره این امامزاده و الامقام روشن می شود زندگی ایشان جلوه ای از علم توحید و عمل توحیدی بودند.

در کشف و تبیین ابعاد شخصیتی انسان های شاخص نباید تنها به کلیاتی درباره آن ها بسنده کرد بلکه گاهی لازم است وارد جزئیات عملکرد آن ها شد و از میان آثاری که بر جای نهاده اند به مشاهده آن ها پرداخت. حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام یکی از شخصیت های برجسته و شاخصی است که از میان مزیت های شخصیتی ایشان بیشتر به امامزاده بودن ایشان پرداخته شده و از ابعاد دیگر غفلت شده است.

یکی از مهم ترین فعالیت های این مؤمن انقلابی طراز، مربوط به تلاش گسترده ایشان در زمینه علمی خصوصاً نقل روایات معصومین علیهم السلام است. دین شناسی حضرت عبدالعظیم مورد تأیید امام هادی علیه السلام قرار گرفته است چنان که پس از پاسخ به سؤالات فقهی یکی از اهالی ری، او را در مسائل دینی به جناب عبدالعظیم ارجاع داده و فرمودند: «إِذَا أَشْكَلَ رِمًا؛ عَلَيْهِ رِمًا؛ شَيْءٌ مِنْ رِمًا؛ أَمْرٌ دِينِيكَ يَنَاحِيَّتِكَ فَسَلْ عَنْهُ عَبْدَ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ وَ أَقْرَأْهُ مِثْلَ السَّلَامِ؛ [1] هنگامی که چیزی از امور دینی در منطقه ات برای تو مشکل شد، از عبد العظیم بن عبد الله حسنی بپرس و سلام مرا به او برسان.»

از روایتگری تا عمل

جناب عبدالعظیم علیه السلام راوی احادیث متعددی از دو امام معصوم یعنی امام جواد و امام هادی علیهما السلام است. در توصیف ابعاد شخصیتی آن جناب آمده است: «ذو وَرَعٍ وَ دِينٍ، عَائِدٌ مَعْرُوفٌ بِالْأَمَانَةِ وَ صَدَقَ الْهَجْرَةَ، عَالِمٌ بِأَمْرِ الدِّينِ، قَائِلٌ بِالتَّوْحِيدِ وَ الْعَدْلِ، كَثِيرٌ الْحَدِيثِ وَ الرَّوَايَةِ؛ [2] شخصی پرهیزگار و دیندار بود؛ اهل عبادت بود و به امانت داری و راستگویی شهرت داشت؛ به امور دینی دانا بود؛ توحید و عدل را باور داشت و بسیار حدیث و روایت [از اهل بیت علیهم السلام] نقل می کرد.» زندگی در خفا و ارتباطات مخفی با شیعیان و نیز مسافرت های مخفیانه به شهرهای مختلف، شرایط سخت و طاقت فرسایی را برای ایشان رقم زده بود. با این حال وقتی در شهر ری ساکن شدند باز هم به روشننگری و هدایت و تربیت افکار عمومی خصوصاً شیعیان زمان خویش می پرداختند.

چنین توصیفی روشن می کند که جناب عبدالعظیم حسنی، علم و عمل را در هم آمیخته بوده است. تقوا، امانتداری و علم ایشان، به روایاتی که او از امام جواد و امام هادی علیهما السلام نقل می کند رنگ دیگری می بخشد به گونه ای که می توانیم رفتار و عملکرد او را ضمیمه کلام گهربار امام معصوم بنماییم تا درک بهتری نسبت به جلوه های عملی اسلام حاصل شود.

توحید عملی حضرت عبدالعظیم حسنی در آینه روایات ایشان از اهل بیت (ع)

توحید عملی

چنان که گذشت، حضرت عبدالعظیم علیه السلام، شیعه ای موحد و صادق بوده اند. از سوی دیگر، بخشی از روایات متعددی که ایشان از امام معصوم نقل کرده اند در مورد مباحث اعتقادی و توحیدی است. با توجه به اهمیت و دقت مباحث توحیدی، منش و سبک رفتاری جناب عبدالعظیم حسنی می تواند ضمن تبیین مقام این امامزاده واجب التعظیم به درک بهتر مباحث توحیدی کمک کند. در این جا با طرح دو روایت در مباحث توحیدی که از طریق جناب عبدالعظیم حسنی روایت شده است به بررسی سیره توحیدی سیدالکریم می پردازیم.

توحید نظری حضرت عبدالعظیم حسنی

معروف ترین حدیثی که از طریق جناب عبدالعظیم حسنی به دست ما رسیده است حدیث «عرضه دین» است. یعنی جناب عبدالعظیم دین و اعتقادات خود را بر امام هادی علیه السلام عرضه کرد و امام هادی علیه السلام نیز مهر تأیید بر همه آن ها زد. این روایت به تنهایی و همزمان، هم مجموعه کاملی از اعتقادات شیعه را بازتاب می دهد و هم مقام ایمانی و اخلاقی حضرت عبدالعظیم حسنی را نمایان می سازد.

او در بیان توحید نظری، در محضر امام هادی علیه السلام چنین عرض می کند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى وَاحِدٌ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ؛ رِمًا؛ خَارِجٌ مِنَ الْحَدِيثِ حَدِّ الْإِبْطَالِ وَ حَدِّ التَّشْبِيهِ وَ إِنَّهُ لَيْسَ بِجِسْمٍ وَ لَا صُورَةٍ وَ لَا عَرَضٍ وَ لَا جَوْهَرٍ بَلْ هُوَ مُجَسِّمٌ؛ رِمًا؛

الأجسام؛ و مَصَوَّرَ الصَّوْرَ وَ خَالَقُ الأَعْرَاضِ وَ الْجَوَاهِرَ وَ رَبِّ كُلِّ شَيْءٍ وَ مَالِكُهُ وَ جَاعِلُهُ وَ مُحْدِثُهُ؛ [3&]؛ خدای متعال، یکی است و ماندگی ندارد، و از دو حدّ ابطال و تشبیه، بیرون است. خداوند، جسم و صورت و عَرَض و جوهر نیست؛ بلکه اوست که اجسام را جسمیت داده و صورت ها را صورت بخشیده و اعراض و جواهر را آفریده است. او پروردگار همه چیز و مالک و آفریننده پدیده هاست.»

دین اسلام همواره دو بال اعتقاد و عمل را برای اوج گرفتن انسان به سوی کمال و سعادت ضروری دانسته و به همین دلیل، بر ضرورت همراهی ایمان با عمل صالح تأکید ورزیده است. حضرت عبدالعظیم حسنی، در این روایت، اعتقادات توحیدی خود را بیان داشته که دقت در رفتار توحیدی ایشان در زوایای مختلف زندگی صداقت این گفتار را تأیید می کند. در دومین روایت که جناب عبدالعظیم نیز در سلسله سند آن قرار دارد ویژگی یک موحد کامل را از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله مورد بررسی قرار می دهیم.

توحید در محبت

حضرت عبد العظیم علیه السلام (به سند خود) از امام باقر علیه السلام نقل می کند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حالی که مردم نزد ایشان گرد آمده بودند، فرمودند: «أَحِبُّوا اللَّهَ لِمَا يَغْدُوكُمْ بِهِ مِنْ نِعْمَةٍ وَ أَحِبُّوا لِلَّهِ تَعَالَى وَ أَحِبُّوا قَرَابَتِي؛ [4&]؛ خداوند را برای نعمت هایی که به شما داده، دوست بدارید و مرا نیز برای خداوند، دوست بدارید و خویشاوندان و اهل بیتم را هم به خاطر من دوست بدارید.»

طبق مفاد این حدیث ارزشمند، محبت و دوست داشتن، تنها مخصوص به خدای یگانه و متعال است و تنها محبت هایی که در دایره محبت الهی قرار می گیرند مشروع و مؤمنانه هستند و غیر از آن ها، محبت های مشرکانه و غیرمشروع خواهند بود. قرآن کریم در این باره می فرماید: «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَندَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَ الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدَّ حُبًّا لِلَّهِ؛ [5] و برخی از مردم، در برابر خدا، همانندهایی [برای او] برمی؛ گزینند، و آن ها را چون دوستی خدا، دوست می؛ دارند؛ ولی کسانی که ایمان آورده اند، به خدا محبت بیشتری دارند.»

بنابراین، از آن جا که صاحب همه نعمت ها خدای متعال است کسی جز خدای متعال و دوستانش، شایسته دوست داشتن نیستند و هر کس غیر خدا را در این جمع داخل کند به همان اندازه دچار شرک شده است. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «الْقَلْبُ لِلَّهِ؛ حَرَمٌ لِلَّهِ؛ قَلْبًا تُسْكِنُ حَرَمَ اللَّهِ غَيْرَ اللَّهِ؛ [6] دل حرم خداست، پس، جز خدا را در حرم خدا مینشان!» حضرت عبدالعظیم حسنی همواره دلباخته به خدا و دوستان خدا بود و این مسأله، در زندگی ایشان نمود عینی یافته بود.

توحید عملی حضرت عبدالعظیم حسنی در آینه روایات ایشان از اهل بیت(ع)

آثار عملی توحید در سیره حضرت عبدالعظیم حسنی

محبت به خدای متعال، به شکل ناخواسته ای در اخلاق و رفتار حضرت عبدالعظیم بازتاب یافته است. در این جا به دو مورد از بازتاب های نور توحید در زندگی این امامزاده والامقام اشاره می کنیم.

محبت و انس به عبادت

دوستداری و اشتیاق نسبت به عبادت از جمله جلوه های محبت انسان به معبود خویش است. طبق فرمایش امام صادق علیه السلام، خداوند خطاب به حضرت موسی علیه السلام می فرماید: «يَا ابْنَ إِبْرَاهِيمَ؛ عِمْرَانَ؛ كَذَّبَ؛ مِنْ رَعْمَ؛ أُمَّةً؛ يُحِبُّونِي فَإِذَا جَاءَ اللَّيْلُ تَمَّ عَيْتِي أَلَيْسَ كُلُّ مُحِبِّ يُحِبُّ خَلْوَةَ حَبِيبِهِ؛ [7&]؛ ای فرزند عمران، دروغ می گوید کسی که خیال می کند مرا دوست دارد وقتی که شب شد می خوابد. زیرا مگر نباید هر دوستداری خلوت کردن با حبيب را هم دوست بدارد؟»

جناب عبدالعظیم حسنی مدت مدیدی در معرض تهدید و تعقیب حاکمان وقت، از شهری به شهر دیگر سفر می کرد و حتی به ناچار در «کوی بردگان» ساکن شد و: «وَ كَانَ يَعْبُدُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فِي ذَلِكَ السَّرْبِ؛ يَصُومُ النَّهَارَ وَ يَقُومُ اللَّيْلَ؛ [8&]؛ دایما در سرداب(زیرزمین) عبادت می کرد؛ وی روزها روزه می گرفت و شب ها را به نماز و مناجات می پرداخت.»

زندگی توأم با نماز و روزه و مناجات با خدا، نشان دهنده اوج محبت جناب عبدالعظیم علیه السلام به خدای متعال و البته بیانگر محبوبیت ایشان نزد پروردگار است چرا که امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا أَهَمَّهُ حُسْنَ الْعِبَادَةِ؛ [9] هرگاه خداوند بنده ای را دوست بدارد، نیکویی عبادت را به دل او اندازد.»

تسلیم در مقابل قضا و قدر الهی

از ویژگی های دیگر اخلاص در ایمان و توحید، آن است که انسان موحد، در مقابل قضا و قدر الهی تسلیم و فرمانبردار است چنان که حضرت عبدالعظیم حسنی در همه مرارت های زندگی لحظه ای دست از پایداری نکشیده و تنها به دنبال انجام وظیفه و بندگی خدای متعال بودند.

ایشان به عنوان یک شخصیت برجسته و والامقام در بین شیعیان، مورد تهدید حاکمان زمان خویش بودند؛ از این رو زندگی در خفا و ارتباطات مخفی با شیعیان و نیز مسافرت های مخفیانه به شهرهای مختلف، شرایط سخت و طاقت فرسایی را برای ایشان رقم زده بود. با این حال وقتی در شهر ری ساکن شدند باز هم به روشنگری و هدایت و تربیت افکار عمومی خصوصاً شیعیان زمان خویش می پرداختند.

در یک جمله، ایشان مصداق این آیه شریفه قرآن بودند که می فرماید: «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» [10] خدا از ایشان خشنود و آنها از او خشنودند؛ اینانند حزب خدا. آری، حزب خداست که رستگارانند.»

پی نوشت

- [1] نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل - قم، چاپ: اول، 1408ق، ج 17؛ ص 321.
- [2] همان، الخاتمة، ج 4؛ ص 404.
- [3] ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی (للسدوق) - تهران، چاپ: ششم، 1376ش، ص 339.
- [4] ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع - قم، چاپ: اول، 1385ش / 1966م، ج 2؛ ص 600.
- [5] سوره بقره، آیه 165.
- [6] شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار (للسعیری) - نجف، چاپ: اول، بی تا، ص 185.
- [7] ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی (للسدوق) - تهران، چاپ: ششم، 1376ش، ص 356.
- [8] نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل - قم، چاپ: اول، 1408ق، الخاتمة ج 4؛ ص 405.
- [9] لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ (للیثی) - قم، چاپ: اول، 1376ش، ص 135.
- [10] سوره مجادله، آیه 22.